

امروز عصر سائیس بود دور برق و تار ریل و جهاز موتور و تانک سر روی کار تو هم بکن بنوبت خود ای عزیز کار لازم بود مناسب هر عصر کار و بار عصر دگر بود تو و کار دگر کنون

از قول اعظمی بادیب سخن بگوی گل کرده شعر نغز تو در طبع من بگوی گویا چو بسمام بغبار ز من بگوی اهل سخن هر آنکه بود در وطن بگوی میگو بوسف اهل وطن شعر تر کنون

## از مشاهیر تاریخی وطن

سید جمال الدین افغانی

( ۲ )

در سال ۱۲۸۵ هجری قمری سید از کابل روانه خاک هند گردید، حکومت هند از وی پذیرائی و استقبال مجالی نمود، منزل عالی کومه گونه وسایل راحتی برای وی تهیه کردند ولی چون حکومت مشاغل ایه شخصیت بزرگ و خیالات بلند او را میدانستند لهذا دایره آمیزش و تعلقات ویرا با اهالی بومی آنجا محدود و پس از اقامت یکماه وسایل سفر و حرکت او را آماده نمودند.

سید روانه سویس گردیده از آنجا بمصر تشریف برد. مصر بان تازه گی تحت استیلای اقتصادی حکومت برطانیا در آمده بود. سید در جامع اظهار اقامت گزین شده حوضه درسی قائم و طالبین مصری بوی مراجعه نمودند. فضیلتی مصری بسجبت او مرتباً حضور یافته از وی در مضامین مختلفه کسب استفاده می نمودند.

سید اوقات خود را منقسم بساعات مخصوص تدریس طابه، صحبت فضلاء و شائقین مجلس وعظ و مباحث مذهبی و سیاسی ساخته بود.

سید مخصوصاً از جاه تلامیذ و دوستان خود عده را که مستعد تر میدانست بتوسیر افکار و تنقیح اذهان شان میکوشید تا برای آینده مصر کفایت و لیاقتی بسزا داشته باشند. همچنان در محضر عامه از معایب جهل و نواقص اداره مملکت از ضرر سلطه اجنبی بوسیله خطابه ها تنقید و اذهان را بآن متوجه میساخت.

آخر از نطقهای غرا و آتشینیکه دایر بسیاست خارجه و وه اداره داخله می نمود اسباب آشوبش حکومت محل شده مقصد بودند که برای اخراج سید موقمی بدست آورند.

اتفاقاً در همان روزها کشیشی از نصرانیان مجذوب فرمایشات سید شده بدست وی اسلام آورد، اقوام عیسوی مقیم مصر بمعارضه برخواستند، مسامین آنجا بدفاع قیام نمودند، خدیو مصر موقع را غنیمت دانسته از طول اقامت سید معذرت خواست.

سید پس از مرور دو ماه یا کمتر در صورتیکه از افاده دروس مستقیم و نطقها و خطابه های غرا و مؤثر خود قلوب چندین اشخاص مستعد مصری را حساس و افکار شازرا منور ساخته بود بطرف استانبول مراجعه فرمود، دوستان و تلامیذ مصر پیش ما بلزم سفر او را تهیه و بمشایعت مجلی او را وداع کرده ضمناً بدوستان و مندوبین خود شان با استانبول نوشتند که مراقب خدمات سید بوده و از فیض حضورش استفاده نمایند.

سید وارد استانبول شد بعض رجال و اشخاص مقیم آنجا نظر بمعرفی و توصیه مصری ها باستقبال او شتافتند ولی عالی پاشا صدر اعظم نورکیه که بحالات سید



خوبتر سابقه داشت مقدم از همه باستقبال و پذیرائی سید جمال الدین کوشیده  
مقام و منزل عالی و همه گونه وسایل راحتی برایش تهیه کرد .  
صحبت های چند روزه و فیض افکار و فرمایشات سید جمال الدین ، عالی پاشاه  
صدر اعظم را چنان واله و مفتون ساخته بود که معزی الیه وجود آن سید عالی  
را بهترین مربی برای خودش یافته حتی هیئت و زراری تورکیه را نیز بوی معرفی  
و در سلسله مخلصینش داخل کرد تا باین سلسله آخر تمام اشراف و اعیان درجه  
اول تورکیه تعلق و رابطه مخصوصی به سید پیدا کرده قوه ناطقه سحر آفرین  
و جاذبه کلام سعادت قرینش همه را به پیروی افکار و احترامش تسلیم میداشت .  
با اینکه در اوایل ورود زبان تورکی را کمتر محاوره توانسته و بزبان عربی صحبت  
میداشت ولی کمی از اقامت او نگذشته بود که در آن زبان بقدری ماهر شد که  
صفای ناطقه و بلاغت کلام و لهجه را بسیار عالی رسانید .  
وزراء و اشراف تورک دائماً در مجالس سید حضور رسانده از فیض صحبت وی  
متمتع و از افکار و خیالات بلند او مستفید می گردیدند ، عالی پاشاه و وزراء در غالب  
امور مهمه کشوری و مطالب سیاسی از وی استناره و هدایات او را محترم  
میدانستند .

سید در مدت اقامت به تصحیح افکار و تنویر اذهان بسی اشخاص و رجال  
در باری و غیره میکوشید .

و الحاصل سید افکار بلندی را نسبت باصلاحات مهمه امور داخلی و تنظیم  
اداره و تعیین خط مشی سیاسی دولت و اصلاح معارف آنجا بدولت و اولیای  
امور پیش نهاد و تلقین می فرمود .  
آخر آ عالی پاشاه صدر اعظم بمقصد اصلاح امور معارف وی را بقضویت انجمن

معارف باب عالی منصوب و رسمیت این مقام را از حضور سلطان برایش حاصل کرد . سید در مدت قلیلی با اصلاحات معارف آنجا موفق شده و یک سر و صورت تازه و جدی بان بخشید ، طرز تحصیل و مواد پروگرام را تغییر داده یک طریقه خاص و مواد موزون و معقولی را مقرر نمود ، کلاس های فنی را ایزاد کرد ، در مجامع علمی نطق های غرا و خطابه های پر جوشی دایر بمطالب علمی ، صنایع ، اقتصادیات ، تجارت ، اتحاد مسلمین ، مصائب و مشکلات مشرق و غیره ایراد میفرمود .

مهمترین خطابه ها و کنفرانس های وی در اثر درخواست رئیس انجمن علمی آنجا بود که در یک محفل خیلی محترم و بزرگ که تمام نماینده ها و ماورین دولتی و اشراف و علمای مملکتی حضور داشت آنرا بخوبی عظمت و اقتدار ایراد فرموده موجب تحسین و تمجید واقع گردید .

رفته رفته حسن شهرت وی در تمام اقطار تور کیه نفوذ کرده اهالی برای شنیدن خطابه ها و فرمایشات سید بیاب عالی می شتافتند و سید هم اوقاتی را برای افاده عموم معین کرده با فاضله باعطای کنفرانس ها و اجرای واعظه می پرداخت ، اهالی تور کیه واله و مفتون فضایل و کلام سحر آفرین سید شده همیشه بدور او مجتمع و آروی مدح ، و تمجید می کردند . خطابه های او را ( سحر القلوب ) نام نهاده بودند .

شهرت و نفوذ سید و جلب آنهمه احترامات اهالی نذبت بخودش آخر آ آتش رشک را در قلب شیخ الاسلام مشتعل نمود ، زیرا موقعیت و نفوذ شیخ اسلام بکلی نزده اهالی ساقط شده مردم در انبجاح حوائج دینی و علمیه بسید جمال الدین مراجعه میکردند و سید نظر باقتدار موقعیت خویش حقوق اهالی را از اتلاف



صیانت می نمود لهذا شیخ الاسلام بهمدستی بعضی از حامدین دیگر شاه را نسبت  
 بسید مشوش ساخته و جود او را در انسر زمین موجب فتنه و مضر حال حکومت  
 قرار دادند سلطان هم که هجوم احترامات اهالی را بطرف سید دیده و مطلع بود  
 از اینمشله اندیشیده مجبوراً از سید درخواست نمود که برای برطرف شدن  
 اجتماعات و هنگامه مردم چند روزی از استانبول کناره گیرد. اینمشله بگذشت  
 سید در اول سال ۱۲۸۷ قمری دوباره عازم مصر گردید و می خواست درین  
 سفر صرف بتمشای آثار قدیمه و بانی مهمه و تاریخی مصر پرداخته بمسایل داخلی  
 آنجا تماتی نداشته باشد و هم نمی خواست اقامت وی در آنمملکت زاید از چند  
 هفته بطول انجامد. بعد و زودش بمصر باریاض پاشا دوستی وی اتفاق افتاد،  
 ریاض پاشا خبلی با احترام و تکریمش کوشیده بدجلونی و تشویق او بمقصد طول  
 اقامتش صمیمانه میپرداخت. تا سید بدون اندیشه و تشویش کافی السابق بافاده اهل  
 مصر مصروف و مملکت را از وجود خود مستغیر سازد، و مسایل خوش گذرانی  
 و راحت سید را هم ریاض پاشا بدرستی و امانتی کرده با هواره هزار غروش مصری  
 خرج جیب برایش تعیین نمود. در حال مراجعت سید از مصر به کابل رسید و  
 سید بدو آ مدرسه علمی دایر کرده از معقولات و منقولات بطلالین دران  
 مدرسه درس میداد و عادتاً در مجامع و محافل عامه اجرای وعظ و خطابه هم  
 میفرمود. در اینمشله و در اینمشله سید با کمال احترام و تکریم در کابل  
 علاوتاً درین مرتبه سید تا سیس یک انجمن سیاسی و یک حزب ملی را برای مصر نیز  
 لازم دانسته لهذا از دانشمندان و فضالای مصری انجمنی بنام حزب وطنی  
 تشکیل داد. اینمشله در کابل سید را حق تعیین گردید، اهل فضل و شجاعت کابل  
 مواد عمده پروگرام این انجمن حاوی مطالب اصلاحات امور داخلی و حریت  
 فرمود که چیزی از علوم نظامی در آنجا تحصیل کنند لهذا یکی از علمای نظامی آنجا

سیاسی و اقتصادی مصر بود. رفته رفته موقعیت حزب وطنی ترقی یافته افکار تازه وجدی اران بمملکت نشئت نمود، مخصوصاً منافع خارجه مورد تنقید واقع گردید، مستر کلا دستون معروف رئیس الوزرای انگلیس بمسدافه برخواسته اخراج سید را از حکومت مصر تقاضا کرد، چون آن تازه گی توفیق پاشاه بجای ریاض پاشاه دوست جمال الدین منصوب شده بود این خواهش را پذیرفته امر باخراج سید داد.

سید در سال ۱۲۹۴ قمری روانه هند و بایکی از شاگردان افغانی خود ابوتراب نام وارد حیدر آباد دکن گردید. حکومت حیدر آباد از وی احترام و پذیرائی نمود، فضلاء و شائقین عرفانی از هر طرفی بوی مراجعه و از فیض صحبت او مستفید میگرددند. ضمناً سید کتاب (تقی مذهب دهری) را در آنجا بزبان فارسی تالیف کرد.

بعمد از خروج سید که حزب وطنی و سائر دوستان سید متدرجاً هنگامه ضد اجنبی را برپا کرده بودند درینوقع واقعات مصر بکلی شدت پیدا کرده حکومت برطانی را دوچار مشکلات ساخته بود، حزب وطنی بمقصد صحت اداره امور و نظم انقلاب خودشان کتاب از سید کشریف آوری او را درخواست نمودند ولی حکومت برطانی ملتفت شده سید را بفوریت بکلسکت جلب و توقیف نمودند. خبر توقیف سید بیشتر در روح احرار مصری مؤثر واقع شده معامله شان با خارجی بجنک منجر شد ولی حکومت برطانی درینحال از جنگ کردن تردد داشته مجبوراً بسید جمال الدین مراجعه نمود که وی این قضیه را بین مصر و برطانی اصلاح نماید.

سید زاید از مقدور مصر مقاومت شانرا دیده و دیگر منفعتی که از ان انقلاب



بمقاد مصریها تصور کرده نمیتوانست لهذا چنین پیشنهاد نمود که برطانیای بمضای  
 امتیازات خود شانرا که صدمه روحیات مصر و احزاب وطنی رسانده بتواند آنرا  
 لغو و معارف مصر را آزادی تمامی باید به بخشند ، مصریها هم باین شرایط و ایزاد چند  
 مواد جزئی دیگر حاضر شده و بالاخره صاحب بین مصر و برطانیای قائم شد بکنفر  
 مورخ انگلیسی در کتاب معروف خود که موسوم به ( واقعات سال ۱۸۷۹  
 برطانیای و مشرق ) است حالات پر افتخار سید را باین نگارش صاف و بی آرایش  
 نوشته ضمناً میگوید که : اعم از موقعت بلند و خیالات عالی این فیلسوف و روزگار  
 که ملل بزرگت را با احترام خود مجبور کرده بود مخصوصاً بملت انگلیس یک حقی  
 دارد زیرا در وقعات سال مذکور بین برطانیای و مصر جمال الدین بهترین  
 کوششی را بنحیر و منفعت طرفین ابراز نمود ، یعنی اگر برطانیای مجبور بمحصار به  
 می شد در سیاست عمومی مشرق که آن تازه گی اشنا شده بود خساره مند میگردد  
 و همچنین اگر مصریها این چنین حربی میشدند دیگر نمیتوانستند قدم خود را  
 در عالم بلند کنند .

و الحاصل پس از خاتمه یافتن وقایع مصر حکومت انگلیس بسید جمال الدین  
 اجازه داد که هر جا میل دارد برود ، سید از بندر گاه کلکته مستقیماً روانه لندن  
 شد ، چون شرح حالات و خیالات عالی او را جراید انگلیسی قبلاً نوشته بودند  
 معروفین شهر و رود او را انتظار داشته بوقت تشریف آوردنش از طرف معزین  
 ولاردهای معروفه و فضالی شهر و جمعیت های عامی استقبال خوبی شده از طرف  
 بلدیة شهر برایش منزل و وسایل راحتی معین گردید ، اهل فضل و شوقمندان  
 علوم همواره بحضورش شرف شده اروی استفاده می نمودند ، بعد سید میل  
 فرمود که چیزی از علوم نظامی در آنجا تحصیل کند لهذا یکی از مدارس نظامی آنجا

شامل شده در کمی مدت بهترین تحصیلی نموده تو نیست ، عجب تر اینکه نظریات و تطبیقات خود را بآن افزوده همان علوم را تا جذدی باهالی آنجا تعلیم میداد . اینها مجمع علمیه لندن در کانفرانس های بزرگت او را دعوت و بایراد نطق ها و خطابه ها بمقصد استفاده عموم تکلیف میکردند ، سیدار نطق های غزالی خود که بخود زبان انگلیسی ایراد میفرمود سامعین را مات و بهوت فضایل و فصاحت خود ساخته بود ، رجال معروفه لن اعم از معروفین داخلی و خارجی بحضور سید تعلقات خاصی داشته اکثر آوی را بمنارل خود شان دعوت میکردند با آنحال سید از سودای مشرق آورده نبوده بآنمابند های دول مشرقی مقیم آنجا علائق خصوصی داشته ، راه و رسم بولتیک غربی را بآنها می آموخت ، از انجمله پرنس ملکم خان معروف سفیر ایران بود که از فیض مصاحبت سید خیلی استفاده کرده بالاخره بایک خیالات عالی وافکار باند بمقصد اصلاحات کشور فارس پیشنهادات مهمی بپادشاه و مملکت خود تسلیم داشته آمار خوبی نوشته . بعد از اقامت چند وقته سید بعزم سیاحت خاك فرانسه از لندن خارج شده وارد پاریس گردید علما و مشاهیر فرانسه از وی احترام و بذیرائی خیلی زیادی کردند اتفاقاً سید در آنجا شاگرد معروف خودش « شیخ محمد عبده » استاد سید زغلول فقید را ملاقات کرد .

سید جمال الدین در سرزمین آزاد فرانسه خوب تر میتوانست خدتی بعالم شرق نماید لهذا بعضی دوستان و تلامذہ مصری خود را جمع کرده بوسیله آنها باب مرادده را با مصر مفتوح و نخست انجمنی بنام عروه لوثقی در پاریس تأسیس کرد که یک شعبه بزرگت آن مطابق پروگرام سید در مصر دایر شده بصروف خدمت بودند ، مقصود این انجمن غالباً اتحاد مسلمین و آزادی مشرق زمین بود .



مجله هم ازین انجمن در پاریس بنام عروۃ الوثقی بقلم خود سید انتشار می یافت که مرتباً هر ده نمره آن بطبع رسیده و در بعضی بلاد مشرقی شایع شد . چون این مجله مخصوصاً سیاست استعماری حمله میکرد ، حکومت برطانیا دخول آنرا در هند سخت قاطع کرده حتی در بنادر عرض راه هم مورد سانسو رشدید واقع گردید .

سید بر علاوه این مجله را جمع بمسایل پولتیکی مشرقی مثل ممالک افغانستان و آن خود و تورکیه و مصر و فارس و هندوستان در جراند فرانسه مقالات مهمی میداد .

جمعیت های علمی و اشخاص قاضی و بزرگ فرانسه از وی خیلی احترام و اکثرآ بصحبت او فایض شده از فرمایشات آن استفاده می نمودند از انجمله فیلسوف مشهور فرانسه میبود آرنت امان است که در نتیجه مناظران قلمیه با او در جراند بالاخره با هم آشنا و یکی از معتقدین فیلسوف افغانی بشمار میرفت .

پس از آن دوستان و تلامذ او از لندن بمحمدت سید اصرار کرده بودند او را خواهش نمودند ، سید هم عازم لندن شده دوستان خود را ملاقات و دوباره بیپاریس تشریف آورد بعد عازم سیاحت بعضی شهرهای معروفه فرانسه گردید . چون صیت شهرت سید جمال الدین افغان از ممالک تمدن مغربی در مشرق خوبتر و روشن تر انعکاس نمود شاهان مشرقی بآرزوی ملاقات وی افتادند ، از انجمله ناصر الدین شام ایران مقدم از همه تلگرافات متعددی بسید کشیده تشریف آوردیش را بفارس تمنا نمود ، سید هم که این مسافرت را بآن مملکت مطابق آمال و خیالات خود میدید فوراً بخاک فارس عازم شده از راه نجد و عراق

واصفهان وارد طهران گردید . ناصرالدین شاه از وی احترام ریزد و برائی درستی کرد . بعد از ملاقات و مصاحبه ها موقیبت سید در قبال او جاگزین و در غالب امور مملکت خود از وی مشاوره می خواست ، سید که در جمله نواقص امور اداره وضعیت قشونی آنجا را خیلی خراب و برهم یافت نخست با صلاح آن توجه می فرمود .

چون مطابق داب آنوقت اکثر خانزاده ها و سردار زاده های خورد سال و بی تربیه در درس قطعات ارا و قرار گرفت بودند - سید غالب آنها را منصرف و مقرر داشت که بعد ازین بدون استحقاق خدمت کی صاحب منصب عسکر شده نمیتواند ، این حرکت برخلاف تمایل تنفدین و درباریان واقع شده همه بر علیه سید کینه می پروراندند تا اینکه بواسطه دوائیس و نغمای خاطر شاه را از وی منحرف و سید ناراض شده از راه اتزلی عام خاک روسیه گردید ، روسها از وی خیلی استقبال بجالی نموده مطابق حکم بطرو کراد وی را بقطار مخصوص پاشاهی عازم ماسکو نمودند که بعد چند روز توقف روانه بطرو کراد گردید .

از دربار امپراتوری رچل عمده درباری و فضلاء روسیه با استقبال وی شتافته با احترام وی را داخل عمارت دولتی کردند بعد امپراتور او را ملاقات و از صحبت های وی محفوظ شده جای راحت و وسایل خوشگذرانی او را بماوردین خود سفارش کرد ولی سید که از آن تجملات مستغنی بوده و سر و کاری با محافل و مجالس علمی و عرفانی داشت از حکومت آنجا خواش کرد که وی را اجازه تماشا و مناظره با انجمن های آنجا بدهند حکومت خواش او را پذیرفته سید مرتباً در انجمن ها تشریف برده نطق ها و خطابه ها میفرمود و راجع سیاست



روسیه و مشرق نواقص خط حرکت حکومت را نقادی میکرد جمعی باین افکار طرفدار وی شده ستایش میکردند ولی سیاست بون دولتی معترض شده خارج شدن سید را تقاضا می نمودند ، لابد سید روسیه را ترك کرده در سال ۱۳۰۶ هجری قمری از راه پোলند و خاك جرمنی دوباره به پاریس عودت فرمود .

ناصرالدین شاه قاجار که در آن روزها تازه وارد پاریس شده بود بجاری امور آنجا وی را متأثر وار نظر یاتی که سید راجع با اصلاحات مملکت او پیشنهاد می فرمود بخاطر آورده خیلی از رفتاریکه با سید شده بود تأسف داشت تا اینکه ار تشریف آوری سید در آنجا شنیده با وی ملاقات و از ماجرای گذشته خیلی معذرت خواسته دوباره رفتن او را بقاریس آروى خواهش نمود .

سید خواهش شاه ایران را پذیرفت بمعبیت او روانه طهران گردید ، درین مرتبه شاه بیشتر با احترامش افزوده سید از موقعیت بلند خود استفاده کرده برای اصلاحات اساسی مملکت توجه فرمود .

نخست انجمن بزرگی در آنجا تأسیس و اشخاص مستعد را از علوم مختلفه درس میداد ولی روح این دروس از تربیه فکری و تنور و از يك عده افکار عالی وطن پرستی مشحون بود ، در کبی زمان اشخاص زیادی از فارسی ها بکنه مسايل مملکتی و بجاری اداری داخل وطن پی برده با جمله ازین همه آن تلامذ سید :- سید جمال الدین واعظ اصفهانی ، شیخ محمد خیابانی ، رضا خان کرمانی ، احراز موقعیت درجه اول کردند ، دیگر طالبین هر کدام در علوم و افکار مختلفه اران استاد شهر استفاده می نمودند ، افکار تجدد پسندی در ان سرزمین بخوبی نشو و نما یافت . کمی ازین دوره توقف سید نگذشته بود که شهرت فضل و لیاقتش تمام محیط ایران را استقبلا کرده اهالی و طالبین از جهات مختلفه بحضورش میرسیدند و

ضمناً کلمات برجسته و مطالب ملی از دهن ها نشئت کرده در گوش ها تأثیرات عمده می بخشید در باریان از موقع استفاده کرده دوباره شروع بنحی می نمودند صدراعظم فارس بهمدستی کامران میرزای نایب الساطنه که بیشتر از همه بموقعیت های خود می رسیدند زیاده باین مطالب تقویت کرده خاطرشاه را سخت افروخته ساختند سید جمال الدین از وضعیت درباریان رنجیده بزبانت شهزاده عبدالعظیم طهران پناهگزیں و مردمانیکه در آنجا اجتماع میکردند مقابل شان خطابه های غرا و نطق های برجوشی میفرمود که طنین انداز در تمام محیط شده بنیان ستمکاران را بلرزه می آورد .

آخرآ شاه ایران بانهایت شدت وقهر بچصد نفر سواران شاهی را فرستاده سید جمال الدین افغانی را ازبست شهزاده عبدالعظیم جلب کرده وبابسی اوضاع اسف آور ازخاک فارس خارج نمود .

سید بان کوفته و بیمار و خاطر افسرده و نزار در عراق متوقف ودوستان و تلامذیکه دران دیار داشت ازوی پرستاری می نمودند .

سید با این همه آلام و مصیبتی که ازخاک فارس دیده بود یاسی نداشته ارطرف شاگردان خود اطمینان می برورائید که آنها شاید بتوانند دران سرزمین مصدر کاری شوند چنانچه کمی نگذشته بود که شاگردان سید هنگامه وطن پرستی را درفارس برپا واول حال رضاخان کرمانی دبعین موضع شهزاده عبدالعظیم بتلافی جرمیکه بر علیه استاد محترمشن رفته بود قیام وپس اران سید جمال الدین ثانی یعنی جمال الدین واعظ اصفهانی ( معروف باسد آبادی ) بایک شور وجدیت فوق العاده درجماع ونقاط مختلفه فارس داخل اقدامات بزرگت شده روح حریت و آزادی را بفارسبان میدمد و مطالب حقه حقوق عامه و نافع وطن را باهالی آنجا خاطر



نشان و روزمره بعد از فرار از وطن می افزود، همچنان شیخ محمد خیابانی بجدیت و گرمی تمام مصروف این خدمت بود که آخراً شخصی مقدم الذکر در عهد مظفرالدین شاه و سید جمال الدین اصفهانی که در واقعه مخالفت محمد علی شاه قاجار بانگت چون وی در رأس حزب وطنی قرار گرفته و مورد تعقیبات شدید حکومت واقع شده بود لابد بهمدان فرار کرده بحاکم آنجا که از دوستانش بود متوسل شد ولی حاکم مذکور ویرا اسیر کرده بالاخره بموجب حکم تلگرافی شاه در سال ۱۳۲۷ بقتلش رسانیدند. همچنان شیخ محمد خیابانی بجرم وطن پرستی بدار آویخته شد.

و الحاصل از اول اخراج سید در خاک فارس متوالیاً و مرتباً انقلاب ملی شروع شده در سالهای ۱۳۲۶، ۱۳۲۷ بعد صیاح اسفناک قتل شاگردان معروف سید جمال الدین افغانی مثل رضاخان و سید جمال الدین اصفهانی و شیخ محمد خیابانی و خلع محمد علی شاه قاجار و تأسیس شورای ملی دوباره امنیت قایم و شورش تسکین گردید.

سید جمال الدین افغانی بعد حصول صحت بموجب درخواست تلگرافی یکی از وزرای لندن بانگلستان عازم شد تلامیذ و دوستانش مقدم او را گرامی دانسته با احترامش میکوشیدند حکومت هم بوی محبت و احترام کرده از وی خواهش نمود که در مجامع علمیه مرزمانی تشریف برده و بخطابه های خود سامعین را مستفید سازد، چراید بلافاصله صورت خطابه های سید را بمقصد استغافه عموم شایع می ساختند.

در روز جشن -الکرمه ولادت مدینه و بکتوبیا که تمام اشراف و بزرگان و نماینده های خارجه حضور داشتند ارباب حکومت از سید خواهش نمودند که در آن

جمع بزرگ نطقی ایراد نماید سید همچنان نطق مؤثری ایراد فرمود که حاضرین بی اختیارانه میگریستند حکومت امر کرد آن نطق عالی را با تمام نوت کرده بجراید شایع کنند.

مستر گرامم نام انگلیس میگوید گرچه من موقع ایراد نطق حاضر نبودم ولی سواد آرا که در جراید خواندم بی اختیار بمن هم رقت و گریستن دست داد نمیدانم در کلام سید چه سحر و روحی موجود است که شنونده را بی اختیار واله و مجذوبش میدارد.

آخر آ سلطان عبدالحمید خان سلطان ترك نامه بسید فرستاده تشریف آوردی اورا باستانبول خواهش نمود ، سید که با الاق و حالات خصوصی آن سلطان مطلع بود قدری در رفتن تردد داشت ولی مجدداً نامه سلطان بوی رسیده بنام دوستی اسلام و ممالک ترك آمدن وی را خواهش نمود سید لابد عازم استانبول و بدو آ خیلی بحارات از طرف سلطان پذیرفتی و بمنزل عالی و کالکه شاهى و دیگر تحفه ها و نوازش شاهانه اختیار یافت ، سید هم از جمله مشاورین و مصاحبین شاهى بوده و اکثر آ بدر بار سلطان شرف می شد و هم بتربیه اشخاص صحیح و لایق میکوشید . که آخر آ روح تربیه از شاگردان سید در محیط اثر کرده ، در نتیجه اسباب نجات و سعادت ملت ترکیه گردید .

والحاصل دران تازه گى نامه ز طرف ناصرالدین شاه فارس بسطان عبدالحمید خان رسیده وی را نسبت بسید خیلی مشتبه ساخته بود همچنان نظر باینکه سید بآن تازه گى داخل يك اقدام بزرگ شده و بمقصد اتحاد اسلام و تشکیل خلافت کبرای اسلامی با سلطان داخل مذاکره و بتلامید خود در ممالک اسلامی سفارشات و آنها را بموافقت نظر علماء و بزرگان ممالک اسلامی راجع بان موضوع



توصیه کرده بود که نتیجه این مقصد چون بمنفعت استعمار یون مضر واقع می شد لهذا نماینده های بعضی دول و هم اشخاص در بار عبدالحمید خان را بر علیه سید تحریر کرده و رفته رفته آنها قوت گرفته سلطان را بکلی نسبت بسید عصبانی و از دربارش منفور ساختند تا اینکه برای سید مرض سرطان پیدا شده ضمناً در بین دوا سعی بوی خود آیدند سید بعد چند روز بستری شدن در سال ۱۳۱۶ قمری هجری مطابق ۹ مارس ۱۹۰۰ میلادی ازین جهان فانی بر حمت ایزدی پیوست .

این نابغه دهر پس از اینکه چهل و سه سال عمر شریف خود را بمقصد استفاده بشریت مخصوصاً بآرزوی نجات و خوشبختی و سعادت مشرق صرف کرده و در راه این مقصد بسی صدمات دیده و مسافرت ها نمود آخراً از دست یکی از سلاطین مشرقی حیاتش فانی شده در صورتیکه مغربیان یا همان مخالفینیکه سید بمقصد استرداد حقوق مشرقیان با آنهاست و کریبان بوده آنها هر زمان از آن نابغه نزرگ خیلی احترام کارانه رسمیه بپوشش می کردند و قیمت واقعی او را بخوبی میدانستند .

سید عالی بعمر ( ۶۲ ) از جهان در گذشته در قبرستان ( شیخار مزارانی ) استانبول مدفون و در چند سال قبل از طرف امرکامیابهای قدرشناس مرقد مبارکش بصورت خیلی عالی تعمیر گردید .

از آثار معروفه و تالیفات این نابغه افغانی آنچه تا حالا بنظر رسیده و معروف میباشد این آثار است .

مجله عروة الوثقی منطبعة پاریس ، کتاب الرد علی الدهرین ، مقالات جمالیه ، البیان فی الانکابز و الافغان مجموعه ضیاء الخفاقیین ، نمة البیان فی تاریخ افغان و سوانح عمر جمال الدین ، الفضا و القدر ، الوصیة لسیاسة الاسلامیه . سید جلیل افغان بر علاوة زبان مادری خویش غالب زبانهای ملل مشرق را میدانست که از انجمله بزبان عربی

ترکی ، استانبولی ، تورکی ماورالنهر ، فارسی ، هندی بدرستی و فصاحت محاوره می توانست :

همچنان از زبانهای ممالک مغربی : انگلیسی ، فرانسه را بدرجه خوب و روسی را بقدر متوسط مکالمه میکرد .

تخصص وی در علوم دینی ، فلسفه ، حکمت ، ریاضیات ، پولتیک عصر ، علوم نظامی بدرجه اعلی بوده و در بلاد مختلفه اربین علوم درس داده و علمای معروفه این علوم را در همه جا به برتری و فضل و ایافت خود قانع و هنگام مباحثه و مناظره های علمی مات و مبهوت فرموده است .

شرح فضایل و صفات این مرد بزرگت را غالب اشخاص در ممالک مختلفه مخصوصا فرانسه و انگلیس نوشته اند ولی کتابکه درینمورد بنظر و یاد داشت نویسنده رسیده قرار آتی است :

- ۱ : « بیوک آدم لر » تالیف هیئت علمیه ترکیه منطبعة استانبول .
- ۲ : « اشهر مشرق » از مطبوعات مصری .
- ۳ : « مشاهیر مشرق از زور زوی زیدان مورخ معروف .
- ۴ : کتاب واقعات سال ۱۸۷۹ « برطانیه و مشرق » در انگلیسی .
- ۵ : مجلات الهلال مصر .
- ۶ : تاریخ سلطان محمد خان بابر کزائی افغانی .
- ۷ : تاریخ دینی حیات خان افغان .
- ۸ : تذکرة الابرار .
- ۹ : نگارستان .
- ۱۰ : سکنیة الفضلا .





از مشاهیر رجال تاریخی افغانستان نابغه قرن نوزدهم  
سید جمال الدین افغانی



پروہشکادہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رتال جامع علوم انسانی



۱۱ : شمع انجمن .

۱۲ : فرصت حسین فارسی .

چون شرح صفات و توضیح حالات و کالات و کاپیه خطابه ها و نطق های سید که میتواند خواننده گمان از مشاهده و مطالعه آنها قیه و عظمت واقعی مقام سید افغانی را فهمیده یک مجله کتاب ضخیمی لازم دارد عجزاً نویسنده باین مختصر پرداخته عرض اعتذار می نماید .

غلام جیلانی اعظمی

ان و آسان (مجله انجمن تربیت)



پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابخانه مرکزی و اطلاعیه های آن .  
مجله علمی و ادبی .  
مجله ادبی و علمی .  
مجله ادبی و علمی .  
مجله ادبی و علمی .

مجله علمی و ادبی .  
مجله ادبی و علمی .  
مجله ادبی و علمی .  
مجله ادبی و علمی .